

کتاب دانیال — نمبر ستائیس

ایک اور مخفی خواب

Jeff Pippenger

2023-12-22

دومین خواب نبوکدنصر «زمان آخر» را مشخص می‌سازد؛ زمانی که در آن، دو طبقه از پرستش‌کنندگان فراخوانده می‌شوند تا بیایند و «افزونی معرفت» را که در سال 1798 گشوده شد، بررسی کنند. سپس دانیال نیز به عنوان بلتیشصر شناسانده می‌شود، و بدین‌سان او به‌عنوان قوم عهد خدا معرفی می‌گردد؛ زیرا تغییر نام، از نظر نبوی، نشانه رابطه‌ای عهدی است. نبوکدنصر اذعان داشت که دانیال از حضور روح‌القدس برخوردار است، و بر اساس تجربه پیشین خود با دانیال، می‌پنداشت که «هیچ رازی» دانیال را مشوش نخواهد ساخت؛ اما راز این خواب، دانیال را مشوش ساخت.

ای بلتیشصر، رئیس جادوگران، چون می‌دانم که روح خدایان قدوس در توست و هیچ رازی تو را در مانده نمی‌سازد، رؤیاهای خوابی را که دیده‌ام و تعبیر آن را برایم بیان کن. رؤیاهای سرم بر بستر خویش چنین بود: نگرستم، و اینک درختی در میان زمین بود و بلندی آن عظیم. درخت رشد کرد و نیرومند شد، و بلندی آن به آسمان رسید، و منظر آن تا کران تمام زمین. برگ‌هایش زیبا بود و میوه‌اش فراوان، و در آن خوراک برای همه بود؛ وحوش صحرا زیر سایه‌اش می‌آرمیدند، و مرغان آسمان در شاخه‌هایش مسکن می‌گزیدند، و هر ذی‌جسدی از آن خوراک می‌یافت. در رؤیاهای سرم بر بستر خویش نگرستم، و اینک دیده‌بانی، یعنی قدوسی، از آسمان فرود آمد؛ به آواز بلند ندا درداد و چنین گفت: درخت را ببرید و شاخه‌هایش را قطع کنید، برگ‌هایش را بتکانید و میوه‌اش را پراکنده سازید؛ بگذارید وحوش از زیر آن بگریزند و مرغان از شاخه‌هایش. لیکن کُنده ریشه‌هایش را در زمین واگذارید، حتی با بندی از آهن و برنج، در علف تازه صحرا؛ و بگذارید از شبنم آسمان تر شود، و نصیبش با وحوش در علف زمین باشد. دل او از دل انسان دگرگون شود، و دل حیوانی به او داده شود؛ و بگذارید هفت زمان بر او بگذرد. این امر به فرمان دیده‌بانان است، و این درخواست به کلام قدوسان، تا زندگان بدانند که حضرت اعلی بر پادشاهی آدمیان حکم می‌راند و آن را به هر که بخواهد می‌بخشد، و فرومایه‌ترین مردمان را بر آن می‌گمارد. این خواب را من، نبوکدنصر پادشاه، دیده‌ام. اکنون تو، ای بلتیشصر، تعبیر آن را بیان کن، زیرا همه حکیمان مملکت من قادر نیستند تعبیر آن را برایم آشکار سازند؛ اما تو قادری، زیرا روح خدایان قدوس در توست. آنگاه دانیال، که نامش بلتیشصر بود، ساعتی مبهوت ماند و افکارش او را مضطرب ساخت. پادشاه سخن گفت و فرمود: ای بلتیشصر، مبدا خواب یا تعبیر آن تو را مضطرب سازد. بلتیشصر در پاسخ گفت: ای سرورم، کاش این خواب برای آنان باشد که از تو نفرت دارند، و تعبیرش برای دشمنانت. دانیال ۴:۹-۱۹.

دانیال از خواب و تعبیر آن «مضطرب» می‌شود، زیرا می‌تواند درک کند که چگونه ممکن است نبوکدنصر از این تعبیر آزرده گردد؛ اما هنگامی که نبوکدنصر او را تشویق می‌کند که سخن بگوید، دانیال هشدار درباره داور در پیش رو به نبوکدنصر می‌دهد. این هشدار داور آینده، نماد هشدار فرشته اول است که در زمان آخر، در سال 1798، فرا رسید.

سپس دانیال، که نامش بلطشصر بود، تا ساعتی مبهوت ماند و افکارش او را مضطرب ساخت. پادشاه سخن گفت و گفت: «ای بلطشصر، خواب و تعبیر آن تو را مضطرب نسازد.» بلطشصر در پاسخ گفت: «ای سرورم، این خواب برای آنان باشد که از تو نفرت دارند، و تعبیر آن برای دشمنانت.» دانیال 4:19.

دانیال «به مدت یک ساعت مبهوت شد.» «ساعت» یکی از پنج موردی است که واژه «ساعت» در کتاب دانیال آمده است، و در هیچ جای دیگری از عهد عتیق یافت نمی‌شود. در اینجا این واژه نمایانگر دوره زمانی‌ای است که طی آن دانیال، که نماینده «حکیمانی» است که افزایش معرفت را درک می‌کنند، آماده می‌شود تا هشدار فرشته اول را اعلام کند؛ فرشته‌ای که گشایش داوری تحقیقی را در 22 اکتبر 1844 اعلام می‌نماید. تفسیر دانیال از رؤیا نه تنها اعلام یک داوری آینده را در بر دارد، بلکه همچنین دعوتی است از نبوکدنصر تا از گناه بازایستد، که نمایانگر انجیل جاودانی فرشته اول است. «ساعت» از لحاظ نبوی در زمان آخر، در سال 1798، جای می‌گیرد، هنگامی که فرشته اول وارد تاریخ شد. فرشته اول در سال 1798 وارد تاریخ شد، در پایان «هفت زمان» انتقام خدا که بر ضد پادشاهی شمالی وارد آمد و از 723 ق.م. آغاز شده بود.

زیرا این‌ها ایام انتقام است تا همه آنچه مکتوب شده است به انجام رسد. اما وای بر آبستان و شیردهندگان در آن روزها! زیرا در زمین تنگی عظیم خواهد بود و غضب بر این قوم، و ایشان به دم شمشیر خواهند افتاد و به اسیری در میان جمیع امت‌ها برده خواهند شد؛ و اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد تا زمان‌های امت‌ها به کمال رسد. لوقا ۲۱:۲۴-۲۴

نبوکدنصر می‌بایست برای مدت انتقام خدا، که بر پادشاهی شمالی اسرائیل آورده شد، با دل حیوانی زندگی کند، زیرا نبوکدنصر پادشاه شمال بود. لوقا همان دوره را به صورت جمع «زمان‌ها» («زمان‌های امت‌ها») معرفی می‌کند، هنگامی که نقطه پایان پایمال شدن اورشلیم را مشخص می‌سازد.

و ایشان به دم شمشیر فرو خواهند افتاد، و به اسیری در میان جمیع امت‌ها برده خواهند شد؛ و اورشلیم پایمال امت‌ها خواهد شد، تا زمان‌های امت‌ها به کمال رسد. لوقا ۲۱:۲۴

در کتاب مکاشفه، زمان‌هایی که امت‌ها مقدس و لشکر را پایمال می‌کردند، به سادگی هزار و دویست و شصت سال معین شد، زیرا مقصود صرفاً تأکید بر دوران آزار و اذیت پایی بود.

اما صحن بیرون معبد را واگذار و آن را اندازه مگیر، زیرا به امت‌ها داده شده است؛ و ایشان شهر مقدس را چهل و دو ماه پایمال خواهند کرد. و به دو شاهد خود قدرت خواهم داد، و ایشان هزار و دویست و شصت روز، پلاس‌پوش، نبوت خواهند نمود. مکاشفه 11:2، 3

پیام هشدار که دانیال به نبوکدنصر داد، نمایانگر هشدار داوری آینده است. فرارسیدن آن پیام هشدار به‌طور نمادین در سال 1798 قرار داده شده است، که همان زمانی است که فرشته اول برای هشدار دادن درباره داوری تحقیقی در شرف وقوع آمد. داوری پیشگویی‌شده بر نبوکدنصر در دومین کاربرد واژه «ساعت» در باب چهارم واقع شد.

همه این امور بر نبوکدنصر پادشاه واقع شد. پس از دوازده ماه، او در قصر مملکت بابل خرامان می‌گشت. پادشاه سخن گفت و گفت: «آیا این بابل عظیم نیست که من آن را به نیروی قدرت خویش، برای خانه سلطنت، و برای جلال کبرایی خود بنا کرده‌ام؟» هنوز این سخن بر دهان پادشاه بود که ندایی از آسمان فرو افتاد، که می‌گفت: «ای نبوکدنصر پادشاه، به تو گفته می‌شود: پادشاهی از تو زایل شده است. و تو را از میان آدمیان خواهند راند، و مسکن تو با حیوانات صحرا خواهد بود؛ و تو را خواهند خوراند که مانند گاوان علف بخوری، و هفت زمان بر تو خواهد گذشت، تا بدانی که حضرت اعلی در مملکت آدمیان فرمان می‌راند و آن را به هر که بخواهد می‌بخشد.» در همان ساعت این امر بر نبوکدنصر به انجام رسید؛ و او از میان آدمیان رانده شد، و مانند گاوان علف می‌خورد، و بدنش از شبنم آسمان تر می‌شد، تا آنکه موهایش چون پره‌های عقابان بلند گردید و ناخن‌هایش همچون چنگال‌های مرغان شد. دانیال ۴:۲۸-۳۳.

داوری‌ای که پیشگویی شده بود، درست در همان «ساعتی» فرارسید که نبوکدنصر دل خود را به تکبر برافراشت. داوری تحقیقی‌ای که پیشگویی شده بود، هنگامی فرا رسید که «ساعت» داوری تحقیقی خدا آغاز شد.

«ساعت» داوری خدا در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، دو طبقه از عبادت‌کنندگان را پدید آورده بود که در باب دوازدهم دانیال به صورت «حکیمان» و «شریران» نمود یافته‌اند، و نیز در مَثَل ده باکره به صورت «حکیم» یا «نادان» تصویر شده‌اند، و همچنین به صورت کسانی که در باب دوم حقوق به واسطه ایمان عادل شمرده شدند، در تقابل با آنان که همان سرشتی را آشکار ساختند که نبوکدنصر در «ساعتی» که داوری‌اش فرا رسید، از خود نشان داده بود.

ببینید، آن‌که جان‌ش در او متکبر و برافراشته است، در وی راست‌کردار نیست؛ اما عادل به ایمان خویش زیست خواهد کرد. حقوق ۲:۴.

دو طبقه در هر یک از سه خط، هنگامی آشکار شدند که «ساعت» داوری او در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید؛ همان چیزی که «ساعت» داوری نبوکدنصر آن را نمایندگی می‌کند. سال ۱۷۹۸ پایان نخستین غضب «هفت زمان» بود، آنگاه که پاییت از کامیابی بازایستاد، زیرا به او زخمی مهلک وارد آمد.

و پادشاه موافق اراده خود عمل خواهد کرد؛ و خویشتن را سرافراز خواهد ساخت و خود را برتر از هر خدایی بزرگ خواهد نمود، و بر ضد خدای خدایان سخنان شگفت‌انگیز خواهد گفت؛ و کامیاب خواهد شد تا زمانی که غضب به انجام رسد، زیرا آنچه مقدر شده است به وقوع خواهد پیوست. دانیال ۱۱:۳۶

۱۸۴۴ پایان «آخرین» غضب بود:

پس گفت: «اینک تو را آگاه خواهم ساخت از آنچه در آخر غضب واقع خواهد شد؛ زیرا در وقت معین، پایان فرا خواهد رسید.» دانیال ۸:۱۹

نخستین کاربرد واژه «ساعت» در باب چهارم دانیال، نمایانگر سال ۱۷۹۸ است؛ که پایان «نخستین» دوره خشم خدا از «هفت زمان» بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل، فرارسیدن پیام فرشته اول در زمان آخر، و پایان «هفت زمان» نبوکدنصر در «پایان ایام» بود.

استعمال دوم واژه «ساعت» در فصل چهارم دانیال، نمایانگر سال ۱۸۴۴ است؛ سالی که پایان «آخرین» خشم «هفت زمان» بر ضد پادشاهی جنوبی یهودا بود. همچنین زمان فرارسیدن داوری تحقیقی، و داوری شخصی نبوکدنصر نیز بود.

باب اول تاریخچه روند آزمون سه مرحله‌ای را مشخص می‌کند و توانمندسازی پیام فرشته اول را در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نشان می‌دهد. باب چهارم بیانگر رسیدن پیام فرشته اول در زمان آخر در سال ۱۷۹۸ است و باید بر باب اول منطبق گردد. باب چهارم بر پیام فرشته اول و هشدار آن درباره داوری نزدیک‌شونده تأکید می‌کند و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ و فرا رسیدن پیام فرشته سوم را مشخص می‌سازد.

آنان با هم نه تنها آغاز آدونتیسم، بلکه آغاز ایالات متحده را نیز نمایندگی می‌کنند. فصل‌های یک تا سه همچنین به تاریخ در پایان آدونتیسم، و پایان ایالات متحده نیز می‌پردازند. فصل پنجم و نیز شهادت بلشصر نیز با آن سه فصل نخست هم‌راستا است.

باب اول، در پیوند با باب چهارم، حرکت فرشته اول و نیز تاریخ زمانی را نشان می‌دهد که کتاب دانیال در وقت آخر، در سال ۱۷۹۸، گشوده شد. پیامی که در آن هنگام گشوده گردید، با رؤیای نهر اولوی نمادین شده است؛ رؤیایی که نمایانگر فزونی معرفت مندرج در باب‌های هفت، هشت و نه دانیال

است.

در سال سوم سلطنت بلشصر پادشاه، پس از آن رؤیایی که در آغاز بر من ظاهر شده بود، رؤیایی دیگر بر من، یعنی بر من دانیال، ظاهر شد. و در رؤیا دیدم؛ و چون دیدم، واقع شد که من در شوشن، در قصر، که در ولایت عیلام است، بودم؛ و در رؤیا دیدم که نزد نهر اولای بودم. دانیال ۸:۱، ۲

فصل‌های یک تا سه، هماهنگ با فصل پنج، نمایانگر حرکت فرشته سوم و تاریخ زمانی هستند که کتاب دانیال در سال 1989 گشوده شد. پیامی که در آن هنگام گشوده شد، با رؤیای نهر حدّاقل نمادپردازی شده است، که نمایانگر افزایش معرفت مندرج در فصل‌های ده، یازده و دوازده است.

اور پہلے مہینے کے چوبیسویں دن، جب میں اُس بڑے دریا کے کنارے تھا، جو حدّاقل ہے۔ دانی ایل 10:4.

ما بررسی سلسله نیوکدنصر و بلشصر را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«نیاز به مطالعه‌ای بسیار نزدیک‌تر کلام خدا وجود دارد. به‌ویژه باید به دانیال و مکاشفه، بیش از هر زمان دیگری در تاریخ کار ما، توجه شود. ممکن است در برخی زمینه‌ها درباره قدرت روم و پاپیت کمتر سخن بگوییم، اما باید توجه را به آنچه انبیا و رسولان تحت الهام روح خدا نوشته‌اند معطوف سازیم. روح‌القدس امور را، هم در اعطای نبوت و هم در رویدادهای به‌تصویرکشیده‌شده، چنان شکل داده است که تعلیم دهد عامل انسانی باید از نظر دور نگاه داشته شود، در مسیح پنهان گردد، و یهوه خدای آسمان و شریعت او باید متعال گردند.»

«کتاب دانیال را بخوانید. تاریخ پادشاهی‌هایی را که در آنجا به تصویر کشیده شده‌اند، جزء به جزء به یاد آورید. دولتمردان، شوراها، سپاهیان، نیرومند را بنگرید، و ببینید که خدا چگونه عمل کرد تا غرور انسان را خوار سازد و جلال بشری را به خاک افکند. تنها خداست که عظیم نمایانده می‌شود. در رؤیای نبی، او دیده می‌شود که فرمانروایی قدرتمند را فرو می‌افکند و دیگری را برمی‌افرازد. او به‌عنوان پادشاه جهان هستی مکشوف می‌گردد، آن‌که در شرف برپا داشتن پادشاهی جاودانه خویش است—قدیم‌الایام، خدای زنده، سرچشمه همه حکمت، حاکم زمان حاضر، آشکارکننده آینده. بخوانید و دریابید که انسان، در برکشیدن جان خویش به سوی بطالت، چه قدر فقیر، چه قدر ناتوان، چه قدر کوتاه‌عمر، چه قدر خطاکار، و چه قدر گناهکار است.»

روح‌القدس از طریق اشعیا ما را به سوی خدا، خدای زنده، به‌عنوان اصلی‌ترین موضوع توجه رهنمون می‌شود—به سوی خدا آن‌گونه که در مسیح مکشوف شده است. «زیرا برای ما طفلی زاده شده، و پسری به ما بخشیده شده است؛ و سلطنت بر دوش او خواهد بود؛ و نام او عجیب، مشیر، خدای قدیر، پدر سرمدی، و سرور سلامتی خوانده خواهد شد» [اشعیا ۹:۶].

نوری که دانیال مستقیماً از خدا دریافت کرد، به‌طور خاص برای این ایام آخر عطا شد. رؤیاهایی که او بر کرانه‌های اولای و حدّاقل، آن رودهای بزرگ شنعار، دید، اکنون در حال تحقق‌اند، و همه وقایع پیشگویی‌شده به‌زودی به وقوع خواهند پیوست.

«به اوضاع قوم یهود در زمانی که نبوت‌های دانیال داده شد توجه کنید. اسرائیلیان در اسارت بودند، معبد ایشان ویران شده بود، و خدمت معبد متوقف گردیده بود. دین آنان بر مراسم نظام قربانی متمرکز شده بود. ایشان صورت‌های ظاهری را همه‌چیز شمرده بودند، حال آنکه روح عبادت حقیقی را از دست داده بودند. عباداتشان با سنن و اعمال بت‌پرستی فاسد شده بود، و در اجرای آیین‌های قربانی از سایه به حقیقت فراتر نمی‌نگریستند. آنان مسیح را، که قربانی حقیقی برای گناهان آدمیان است، تشخیص ندادند. خداوند عمل کرد تا قوم را به اسارت ببرد و خدمات

معبد را متوقف سازد، تا مبادا مراسم ظاهری مجموع کامل دین ایشان گردد. اصول و اعمال آنان باید از بت پرستی پاک می شد. خدمت آیینی متوقف شد تا خدمت قلبی احیا گردد. جلال ظاهری برداشته شد تا امر روحانی آشکار شود.» Manuscript Releases, جلد 16، 333، 334.